

سیمان ایران و فرصت صادراتی در همسایگی

نزدیکی به بازارهای هدف، هزینه تولید پایین و وفور مواد اولیه، فرصت‌های صادراتی سیمان ایران را افزایش داده و ثبات اقتصادی را تضمین می‌کند



در حالی که کشورهای همسایه با کمبود تولید یا رشد پروژه‌های زیرساختی مواجه‌اند، سیمان ایران می‌تواند سهم قابل توجهی از این بازارها را به دست آورد. این مهم نیازمند حضور فعال و سازمان‌یافته هلدینگ‌های بزرگ با شبکه‌های تولید و توزیع گسترده است. صنعت سیمان، با تکیه بر مزیت‌های ساختاری و موقعیت جغرافیایی ممتاز ایران، پتانسیل بالایی برای صادرات به بازارهای آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و شبه‌قاره هند دارد. وفور مواد اولیه، هزینه تولید رقابتی و دسترسی نسبی به انرژی، فرصت‌های صادراتی را برای سیمان ایران افزایش داده است.

ظرفیت ۶/۷۷ تریلیون تومانی

شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) با ظرفیت و زیرساخت‌های موجود، نقش کلیدی در تحقق این هدف ایفا می‌کند. آمارهای رسمی نشان می‌دهند که شرکت‌های سیمانی زیرمجموعه شستا در آذره‌ما، صادراتی به ارزش چشمگیر ۶ هزار و ۷۷۲ میلیارد تومان داشته‌اند. این آمار، نشان‌دهنده جایگاه برجسته شستا در توسعه صادرات سیمان و تقویت جایگاه ایران در بازارهای جهانی است. شستا با تکیه بر این دستاورد، به دنبال گسترش صادرات و افزایش سهم ایران در بازارهای هدف است. بر اساس آمارهای منتشرشده، شرکت‌های سیمانی زیرمجموعه شستا در مجموع توانسته‌اند در آذره‌ما صادراتی به ارزش ۶ هزار و ۷۷۲ میلیارد تومان به ثبت برسانند. در این میان، شرکت سیمان شاهرود با صادراتی معادل هزار و ۷۴۱ میلیارد تومان در جایگاه نخست قرار دارد و به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده سیمان در میان شرکت‌های وابسته به شستا شناخته می‌شود. این عملکرد نشان می‌دهد

حتی واحدهای مستقر در مناطق داخلی کشور نیز می‌توانند با برنامه‌ریزی مناسب، لجستیک کارآمد و بازاربایی هدفمند، سهم بالایی از بازارهای صادراتی را به دست آورند. پس از سیمان شاهرود، شرکت سیمان خوزستان با صادرات هزار و ۳۲۴ میلیارد تومان در رتبه دوم قرار گرفته است. موقعیت جغرافیایی این شرکت، دسترسی به بنادر جنوبی و نزدیکی به بازارهای مهمی همچون عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس، نقش تعیین‌کننده‌ای در این حجم از صادرات داشته است. این شرکت به‌واسطه همین مزیت‌ها، می‌تواند در آینده نیز یکی از پیشران‌های اصلی صادرات سیمان شستا باقی بماند. در رده بعدی، شرکت‌های سیمان سپهان و سیمان سپاهان قرار دارند که هر یک به ترتیب ۶۳۳ و ۶۳۱ میلیارد تومان صادرات را ثبت کرده‌اند.

این دو شرکت با تکیه بر ظرفیت تولید قابل توجه و سابقه حضور در بازارهای داخلی و خارجی توانسته‌اند جایگاه خود را در سبد صادراتی شستا تثبیت کنند. سیمان ارومیه نیز با صادراتی معادل ۵۸۰ میلیارد تومان، یکی دیگر از شرکت‌های کلیدی این مجموعه به شمار می‌رود؛ شرکتی که به‌دلیل نزدیکی به مرزهای شمال‌غرب کشور، امکان صادرات به کشورهای همسایه را با هزینه کمتر و سرعت بالاتر در اختیار دارد.

سیمان مازندران با ۴۰۷ میلیارد تومان و سیمان صوفیان با ۳۷۹ میلیارد تومان صادرات، در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. این دو شرکت نشان می‌دهند حتی واحدهای واقع در شمال کشور نیز می‌توانند با استفاده از مسیرهای متنوع حمل‌ونقل، در بازار صادراتی نقش آفرینی کنند. همچنین سیمان ساوه با صادرات ۳۱۱ میلیارد تومان، سیمان نی‌ریز با ۲۹۸ میلیارد تومان و سیمان قائن با ۲۲۹ میلیارد تومان قرار

دارند که مجموع عملکرد آن‌ها نشان‌دهنده فعال بودن طیف وسیعی از شرکت‌های شستا در فرایند صادرات است. در میان شرکت‌هایی با حجم صادرات کمتر، سیمان شرق با ۹۴ میلیارد تومان و سیمان فارس نو با ۷۱ میلیارد تومان صادرات ثبت کرده‌اند. هرچند سهم این شرکت‌ها در مقایسه با واحدهای بزرگ‌تر محدودتر است، اما حضور آن‌ها در جمع صادرکنندگان نشان‌دهنده تلاش شستا برای استفاده حداکثری از ظرفیت تمامی شرکت‌های زیرمجموعه است. در نهایت، سیمان آلیک با ۳۵ میلیارد تومان، سیمان خاش با ۱۷ میلیارد تومان، سیمان دورود با ۱۶ میلیارد تومان، سیمان خزر با ۵ میلیارد تومان و سیمان غرب با یک میلیارد تومان صادرات، پایین‌ترین ارقام را به خود اختصاص داده‌اند، با این حال همین ارقام نیز بیانگر آن است که حتی شرکت‌های کوچک‌تر نیز در زنجیره صادرات نقش دارند.

مزایای افزایش صادرات سیمان

باید به این نکته اشاره کرد که شستا با در اختیار داشتن مجموعه‌ای متنوع و گسترده از شرکت‌های سیمانی در مناطق مختلف کشور، از شمال و شمال‌غرب گرفته تا جنوب، شرق و مرکز ایران، یکی از بزرگ‌ترین و اثرگذارترین بازیگران صنعت سیمان به شمار می‌رود. این پراکندگی جغرافیایی، علاوه بر کاهش ریسک تمرکز تولید، امکان بهره‌برداری هم‌زمان از مسیرهای متنوع صادراتی شامل مرزهای زمینی، بنادر جنوبی و حتی کریدورهای ترانزیتی منطقه‌ای را فراهم کرده است. چنین ظرفیتی به شستا این امکان را می‌دهد که در مواجهه با محدودیت‌های مقطعی حمل‌ونقل، تغییرات مقرراتی یا نوسانات تقاضا در یک بازار خاص، به‌سرعت

مسیرها و بازارهای جایگزین را فعال کند؛ مزیتی که در شرایط پریسک تجارت خارجی منطقه، اهمیت راهبردی بالایی دارد. از منظر اقتصادی، صادرات سیمان به‌عنوان یکی از محصولات پایه صنعتی، نقش مهمی در تعمیق صادرات غیرنفتی کشور ایفا می‌کند. حضور فعال صنعت سیمان در بازارهای خارجی، به افزایش سهم کالاهای صنعتی در سبد صادراتی کمک کرده و ساختار صادرات ایران را از خام‌فروشی و وابستگی به چند قلم کالای محدود، به سمت تنوع و پایداری بیشتر سوق می‌دهد. این موضوع به‌ویژه در شرایط نوسانات بازار انرژی، تحریم‌ها و عدم قطعیت‌های ژئوپلیتیکی، اهمیتی دوچندان دارد و می‌تواند به افزایش تاب‌آوری اقتصاد ملی کمک کند.

توسعه، اشتغال و ثبات

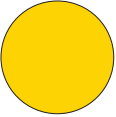
همچنین برای سازمان تأمین اجتماعی و مجموعه شستا، توسعه صادرات سیمان صرفاً یک دستاورد تجاری کوتاه‌مدت نیست، بلکه بخشی از یک راهبرد کلان برای افزایش سودآوری پایدار، بهبود جریان نقدی و کاهش ریسک‌های وابستگی به بازار داخلی محسوب می‌شود. تقویت درآمدهای ارزی شرکت‌های تابعه، امکان برنامه‌ریزی مالی دقیق‌تر، افزایش بازده سرمایه‌گذاری‌ها و ارتقای ارزش دارایی‌های تحت مدیریت شستا را فراهم می‌کند. در نهایت، این فرایند به تقویت پشتوانه مالی سازمان تأمین اجتماعی منجر شده و ظرفیت این نهاد بزرگ اجتماعی را برای ایفای تعهدات بلندمدت خود در قبال بیمه‌شدگان و بازنشستگان افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، توسعه صادرات نقش مستقیمی در تثبیت تولید و حفظ اشتغال در صنعت سیمان دارد. استمرار صادرات، از ایجاد نوسانات شدید در تولید کارخانه‌ها جلوگیری کرده و مانع از کاهش ظرفیت یا تعطیلی خطوط تولید در دوره‌های رکود بازار داخلی می‌شود. این موضوع به‌طور مستقیم با امنیت شغلی هزاران نیروی کار و اشتغال غیرمستقیم در زنجیره‌هایی مانند حمل‌ونقل، خدمات فنی و بازرگانی مرتبط است. به بیان دیگر، صادرات سیمان نه‌تنها یک فعالیت اقتصادی، بلکه ابزاری برای حفظ ثبات اقتصادی و صنعتی نیز محسوب می‌شود. این درحالی است که حضور پایدار در بازارهای صادراتی، شرکت‌های سیمانی را به ارتقای کیفیت محصولات، رعایت استانداردهای بین‌المللی، بهینه‌سازی مصرف انرژی و کاهش شدت انرژی در فرآیند تولیدسوق می‌دهد. با توجه به اینکه صنعت سیمان یکی از صنایع انرژی‌بر محسوب می‌شود، حرکت به سمت بهره‌وری بالاتر و استفاده از فناوری‌های نوین، می‌تواند هم‌زمان منافع اقتصادی و زیست‌محیطی به همراه داشته باشد. این روند، در بلندمدت جایگاه صنعت سیمان ایران را در رقابت منطقه‌ای ارتقا داده و امکان ورود به بازارهای با استانداردهای سختگیرانه‌تر را نیز فراهم می‌کند. در این میان، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران یک مزیت مکمل و تعیین‌کننده برای صادرات سیمان به شمار می‌رود. همجواری با کشورهای که به دلیل بازسازی زیرساخت‌ها، رشد جمعیت شهری یا کمبود ظرفیت تولید داخلی، با تقاضای فزاینده برای مصالح ساختمانی مواجه‌اند، فرصت مناسبی برای صادرات پایدار ایجاد کرده است.

حمیدرضاییانیاکاشانی

روزنامه‌نگار

یادداشت

O P I N I O N



محمد رضا توکلی‌زاده

رئیس اتاق بازرگانی مشهد

ارز تک‌نرخی و عقلانیت اقتصادی

سال‌ها تجربه اقتصادی ایران، وجود نرخ‌های متعدد ارز را نه به عنوان ابزاری برای مدیریت بحران، بلکه به عنوان یکی از عوامل اصلی بروز بحران آشکار کرده است. این چندنرخی، سیگنال‌های متناقض را در اقتصاد منتشر کرده و تولیدکنندگان را در بلا تکلیفی، صادرکنندگان را در معرض ریسک‌های غیرقابل پیش‌بینی و واردکنندگان را در گیر فرایندهای پیچیده و تخصیص‌های ناپایدار قرار داده است. در نهایت، این بی‌نظمی، بار سنگینی را بر دوش خانوار ایرانی تحمیل کرده که هیچ تناسبی با نرخ‌های رسمی اعلام‌شده نداشته است. اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، باید به عنوان یک تعهد سیاسی-اقتصادی به شفافیت تلقی شود. این اقدام، بستری را برای رانت و فساد از بین می‌برد، رقابت‌پذیری را بهبود می‌بخشد و قابلیت پیش‌بینی را به اقتصاد باز می‌گرداند؛ قابلیت‌هایی که بدون آن، سرمایه‌گذاری پایدار غیرممکن است. پیام روشن و شفاف‌ی که این تحول به بازار ارسال می‌کند، می‌تواند انگیزه‌ای برای برنامه‌ریزی بلندمدت در استان‌ها و مناطقی باشد که اقتصاد آن‌ها به تجارت خارجی و زنجیره‌های تأمین وابسته است.

برای بخش خصوصی، یکسان‌سازی نرخ ارز به معنای رهایی از «اقتصاد ثلاث‌گانه» است؛ اقتصادی که در آن تصمیمات بر اساس انتظار دریافت ارز ارزان یا تعویق در ایفای تعهدات اتخاذ می‌شد. هرچند این تغییر ممکن است در کوتاه‌مدت هزینه‌هایی را به همراه داشته باشد، اما در بلندمدت، زمینه‌ساز انضباط اقتصادی، افزایش بهره‌وری و شکل‌گیری رقابت سالم خواهد بود.

با این حال، تجارب گذشته نشان داده‌اند که تک‌نرخی شدن ارز، در صورت اجرای جزیره‌ای و بدون اصلاحات مکمل، پایدار نخواهد بود. برای تحقق ثبات در این سیاست، لازم است به چند الزام بنیادین توجه شود. نخست، دولت باید از انضباط مالی برخوردار باشد و از استفاده از نرخ ارز برای جبران کسری بودجه پرهیز کند. دوم، باید از تداوم قیمت‌گذاری دستوری در سایر بازارها اجتناب کرد، زیرا واقعی شدن نرخ ارز در کنار سیاست‌های دستوری، نه‌تنها ثبات ایجاد نمی‌کند، بلکه بازارهای غیررسمی و رانت‌های جدید را به وجود می‌آورد. سوم، ثبات در سیاست خارجی و دسترسی پایدار به منابع ارزی، برای جلوگیری از آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های سیاسی ضروری است. چهارم، گفت‌وگو و مستمر با بخش خصوصی و تعامل فعال با جامعه، به عنوان ذی‌نفعان مستقیم این سیاست، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

جامعه نیز باید در این فرایند سهیم باشد. تک‌نرخی شدن ارز بر انتظارات تورمی و احساس عدالت اقتصادی اثرگذار است و در صورت عدم همراهی با گفت‌وگوی شفاف و اقتناع افکار عمومی، سرمایه اجتماعی لازم برای تداوم اصلاحات تضعیف خواهد شد.

تک‌نرخی شدن ارز، پایان مسیر اصلاحات اقتصادی نیست، بلکه آغاز مرحله‌ای دشوارتر است؛ مرحله‌ای که مستلزم حفظ تصمیم درست در برابر فشارها و وسوسه بازگشت به سیاست‌های کوتاه‌مدت گذشته است.